

لشکر موشها ز راه کویر
در بیابان فارس هر دو سپاه
رزم کردند چون دلیران
جنگ مغلوبه شد در آنوادی
هر طرف رستمانه جنگگانا
آنقدر موش و گربه کشته شدند
که نیاید حساب آسانا



حمله سخت کرد گربه چو شیر
موشکی اسب گربه را پی کرد
بعد از آن زد بقلب موشان
گربه افتاد و گشت نالان
که بگیرد پهلوانان
الله افتاد در موشان

موشکان طبل شادمانه زدند
بهر فتح و ظفر فراوانا
گربه را هر دو دست بسته بهم
با کلاف و طناب و ریسمانا
شاه گفتا بدار آویزید
این سگ رو سیاه نادانا
گربه چون دید شاه موشان
غیرتش شد چو دیک جوشانا



همچو شیری نشست بر زانو
کند آن ریسمان بدنانان
موشکانرا گرفت وزد بزمین
که شدند بخاک یکسانان
لشکر از یکطرف فراری شد
شاه از یکجهت گریزانان

(Table I.6: Moosh o Gorbah, illustration by an unknown artist. Scan presented on <http://moosh-o-gorbah.farangis.de>)